





جامعة المصطفى العالمية

مجتمع آموزشی عالی فقه و معارف اسلامی

موضوع:

بایدها و نبایدهای سیاسی حکومت اسلامی از دیدگاه فقهای امامیه

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر حیات الله یوسفی

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر نجف لک زایی

دانش پژوه:

عبدالاحمد صداقت

سال: ۱۳۸۸

□ مسئولیت مطالب مندرج در این پایان‌نامه به عهده نویسنده می‌باشد.

□ هرگونه استفاده از این پایان‌نامه با ذکر منبع، بلاشکال است و نشر آن در داخل کشور منوط به اخذ مجوز از مرکز جهانی علوم اسلامی است.

تقدیم و اهداء:

تقدیم به یگانه منجی عالم بشریت که روزی با ظهور
نجاتبخش خویش عالم مملوء از جور و بیداد را در سایه
حکومت جهانی خود از هر گونه ظلم و تبعیض رهایی خواهد
بخشید. به امید آنروز که خیلی دور نخواهد بود.

تقدیم نامه:

اینجانب لازم می‌دانم نهایت تقدیر و سپاس ام را از اساتید محترم راهنما و مشاور جناب حجت الاسلام حیات الله یوسفی و حجت الاسلام دکتر نجف لک‌زایی که با راهنمایی و مشاوره بی دریغ شان این حقیر را در راستای تدوین این پایان‌نامه مساعدت نمودند ابراز میدارم. امیدوارم همواره در راه خدمت به اسلام و مسلمین موفق و موید باشند. همچنین لازم میدانم از مسئولین جامعه المصطفی ایدهم الله، که زمینه تحصیل حقیر را جهت تدوین این اثر فراهم نمودند و نیز از کلیه کسانی که به هر نحوی با بنده همکاری نموده اند تقدیر و سپاس گذاری نمایم.

چکیده

این رساله تحت عنوان بایدها و نبایدهای سیاسی حکومت اسلامی از منظر فقهای امامیه تدوین یافته است. تردیدی نیست که در هر نظام سیاسی - فکری بایدها و نبایدهای وجود دارد، بایدها و نبایدهای نظام مزکور را از کارشناسان و تئوری پردازان آن نظام فکری سیاسی باید پرسید. لذا حکومت اسلامی نیز از این قاعده بیرون نیست: کارشناسان و تئوری پردازان نظام سیاسی اسلام همان فقهاست. از منظر فقهای امامیه حکومت اسلامی قبل از هر چیز باید دارای ماهیت دینی و منطبق با باورها و هنجارهای مورد قبول در جامعه اسلامی باشد. اما اینکه حکومت اسلامی از نظر شکل و ساختار باید چگونه باشد، در آموزه‌های فقهی - سیاسی امامیه توصیه‌ای خاصی نیست به آن وارد نشده است. از نظر فقهای امامیه آنچه مهم است عملکرد خدمتگذارانه حکومت اسلامی به اسلام و امت اسلامی است. هم‌چنین از نظر فقهای امامیه حکومت اسلامی باید تحت قیادت رهبری ولی فقیه جامع الشرایط قرار داشته باشد تا سیاست‌های اصولی حکومت اسلامی را بر اساس مبانی دینی و مصالح مادی و معنوی جامعه اسلامی تنظیم نماید تا جامعه اسلامی را به سعادت و کمال مطلوب هدایت نماید و از افتادن حکومت، این ودیعه و عهد الهی بدست نا اهلان جلوگیری شود.

حکومت اسلامی نباید در رفتار و برخورد با حقوق مردم همانند دیگر حکومت‌های ظالم و مستبد رفتار نماید، نباید مردم را از حق تعیین سرنوشت، برخورداری از عدالت اجتماعی و سایر حقوق شهروندی شان محروم نماید. حکومت اسلامی در حوزه مسائل سیاست خارجی باید همانند حکومت رسول خدا و امام علی(ع) سیاست‌های خود در راستای دعوت جهانیان بحق و عدالت هدایت نماید. نسبت به ملل و کشورهای اسلامی سیاست وحدت گرا در راستای خنثی سازی سیاست‌های تفرقه افکنانه دشمنان پی ریزی نماید. حکومت اسلامی باید عزت و استقلال امت اسلامی را سرلوحه سیاست‌های خویش قرار دهد و از جنبش‌های اصیل اسلامی و دیگر نهضت‌های آزادی بخش حمایت نماید. حکومت اسلامی در روابط خود با کشورهای غیر اسلامی که با حکومت اسلامی تخاصم ندارد برخورد مسالمت آمیز داشته باشد و نسبت به تعهدات فی مابین ملتزم و پیمان‌ها پایبند باشد اما متقابلاً با کشورهای که با حکومت اسلامی خصومت و دشمنی دارد رفتار مقابله به مثل داشته تا از سلطه و سیطره مستکبران بر مقدرات امت اسلام جلوگیری نماید هم‌چنین حکومت اسلامی باید در حد توان تلاش نماید به سلطه و اشغال سرزمین‌های اسلامی از سوی مستکبران خاتمه دهد.

و اما نبایدهای سیاست خارجی در حکومت اسلامی، از نظر فقهای امامیه حکومت اسلامی نباید در حق دیگر ملل ظلم روا دارد یا به حکومت‌های ظالم کمک و همکاری نماید، سکوت در برابر روند بی عدالتی در روابط بین الملل و بی تفاوتی نسبت به ملل تحت ستم اموری است که از نظر فقهای امامیه جایز نیست. حکومت اسلامی برای رسیدن به مقاصد سیاسی حق ندارد متوسل به ترورهای کور و غیر عقلایی شود که در آن جان و مال افراد بی گناه در معرض خطر واقع شود. از جمله اموری که حکومت اسلامی نباید بدان مبادرت ورزد مسئله مزاحمت و نادیده انگاشتن حقوق سفراء و نمایندگان سیاسی دیگر کشورها در کشور اسلامی است. هم‌چنین حکومت اسلامی در شرایط جنگی حق ندارد اسیران جنگی را مورد شکنجه و آزار قرار دهد.

فهرست مطالب

طرح تحقیق

- ۲..... طرح موضوع:.....
- ۳..... ضرورت تحقیق:.....
- ۳..... ادبیات موضوع: (پیشینه تحقیق).....
- ۴..... سؤال اصلی:.....
- ۴..... سؤال‌های فرعی:.....
- ۴..... فرضیه اصلی:.....
- ۴..... روش تحقیق:.....
- ۴..... سازماندهی تحقیق:.....

فصل اول: تعاریف، مفاهیم و کلیات

- ۷..... مقدمه:.....
- ۸..... ۱. تعاریف.....
- ۸..... الف. باید در لغت:.....
- ۸..... ب. باید در اصطلاح:.....
- ۹..... ب. واژه نباید.....
- ۱۰..... ج. سیاست در لغت.....
- ۱۰..... د. سیاست در اصطلاح فقها.....

۱۱	هـ . تعریف حکومت
۱۱	هـ ۱. حکومت در لغت
۱۱	هـ ۲. حکومت در اصطلاح
۱۲	۲. مفاهیم:
۱۲	الف. مفهوم سیاست از منظر دینی
۱۳	ب. مفهوم حکومت اسلامی
۱۷	۳- کلیات:
۱۷	الف. فقها و مسئله حکومت (تاریخچه)
۲۳	ب. ضرورت حکومت از نگاه فقها
۲۶	ج. رابطه دین و حکومت
۲۷	د. نظریه پیوند دین با حکومت و سیاست
۳۲	د ۱: نظریه سکولاریسم اسلامی
۳۴	د ۲: ارزیابی نظریه سکولاریسم اسلامی
۳۶	د ۳: دین و سیاست در سیره نبوی
۳۹	هـ انواع حکومت
۴۱	هـ ۱. حکومت مطلقه شاهنشاهی
۴۲	هـ ۲. حکومت مشروطه سلطنتی
۴۳	هـ ۳. حکومت اشرافی (اریستوکراسی)
۴۳	هـ ۴. حکومت انتخابی نخبگان
۴۳	هـ ۵. حکومت تک حزبی
۴۳	هـ ۶. حکومت دموکراتیک
۴۴	جمع بندی:

فصل دوم: بایدها و نبایدهای سیاسی حکومت در سیاست داخلی

۴۷	مقدمه:
۴۸	گفتار نخست: بایدهای حکومت اسلامی

الف: ماهیت حکومت اسلامی.....	۴۸
ب: شکل و ساختار حکومت اسلامی.....	۵۱
ج: رهبری سیاسی در حکومت اسلامی.....	۵۳
ج ۱. اهمیت و ضرورت رهبری.....	۵۳
ج ۲. مصداق رهبری در حکومت اسلامی.....	۵۴
د. ویژگی‌های فردی رهبری در حکومت اسلامی.....	۵۹
د ۱. برخورداری از تقوای کافی.....	۵۹
د ۲. برخورداری از توان اجتهاد در مسائل دینی.....	۶۱
د ۳. برخورداری عدالت متناسب با شأن رهبری.....	۶۲
د ۴. برخورداری از بینش و تدبیر سیاسی.....	۶۷
د ۵. دوری از تجمل‌گرایی.....	۷۰
د ۶. آگاهی از امور جامعه.....	۷۲
د ۷. برخورداری از مقبولیت مردمی.....	۷۲
هـ. بایدهای دینی - سیاسی رهبر.....	۷۳
هـ ۱. تبیین احکام الهی و سعی در صیانت از آن.....	۷۴
هـ ۲. رهبری سیاسی حکومت اسلامی (استمرار ولایت).....	۷۵
هـ ۳. نظارت موثر بر سیاست گذاری و عملکرد نهادهای حکومتی.....	۷۷
هـ ۴. اهتمام ویژه نسبت به اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر.....	۷۸
هـ ۵. نظارت بر گزینش و انتصاب مسئولان.....	۸۱
هـ ۶. تدوین سیاست‌های اصولی حکومت اسلامی.....	۸۶
هـ ۷. مشورت با صاحب نظران در مسائل سیاسی - اجتماعی.....	۸۷
هـ ۸. دفاع از حقوق اساسی مردم.....	۹۳
هـ ۹. تحکیم رابطه حسنه میان حکومت و مردم.....	۹۶
و. وظایف و مسئولیت‌های ویژه حکومت اسلامی.....	۹۷
و ۱. برقراری نظم و امنیت در جامعه.....	۹۸
و ۲. سعی در برقراری عدالت اجتماعی.....	۱۰۱

۱۰۳	و۳. تأمین آزادی اندیشه و بیان در جامعه.....
۱۰۷	و ۴. مجال دادن به فعالیت تشکل‌های سیاسی - اجتماعی.....
۱۰۹	و ۵. دفاع از مرزهای اعتقادی و جغرافیایی نظام اسلامی.....
۱۱۱	۲- گفتار دوم: نبایدهای سیاسی حکومت اسلامی.....
۱۱۲	الف: تخطی از اهداف متعالی اسلام.....
۱۱۵	ب. استبداد پیشگی در برخورد با مردم.....
۱۲۰	ج. اشرافی‌گری در میان مسئولان حکومتی.....
۱۲۲	د. تبعیض در اجرای قوانین.....
۱۲۳	هـ. نزاع زمامداران بر سر قدرت.....
۱۲۵	و. واکنش منفی در برابر نصیحت و انتقاد.....
۱۲۷	ز. دخالت غیر قانونی حکومت در امور خصوصی مردم.....
۱۳۰	ح. استبداد به رأی در مسائل سیاسی - اجتماعی.....
۱۳۱	ط. ایجاد تفرقه در جامعه به منظور حفظ قدرت.....
۱۳۲	ی. وابستگی و اتکاء به قدرت‌های بیگانه.....
۱۳۴	۳. جمع بندی:.....

فصل سوم: بایدها و نبایدهای سیاسی حکومت اسلامی در حوزه سیاست خارجی

۱۳۷	۱. مقدمه.....
۱۳۹	۲. گفتار نخست:.....
۱۳۹	الف. مفهوم دیپلماسی و سیاست خارجی در روابط بین الملل.....
۱۴۰	ب. پیشینه دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام.....
۱۴۱	ج. روابط دیپلماتیک و جنبه‌های حقوقی آن.....
۱۴۳	د. پیشفرض‌های سیاست خارجی در حکومت اسلامی.....
۱۴۵	هـ. قلمرو سیاست خارجی حکومت اسلامی.....
۱۴۷	و. تاریخچه موضع‌گیری‌های فقهای امامیه در قبال تحولات بین المللی.....

۳- بایدهای سیاست خارجی در حکومت اسلامی	۱۵۸
الف. رابطه با کشورهای غیر اسلامی	۱۵۹
ب. دعوت بحق و عدالت:	۱۵۹
ج. نفی ظلم و سلطه در روابط بین الملل	۱۶۱
د .. پیگیری سیاست تألیف قلوب	۱۶۴
هـ- التزام به تعهدات و پیمانها	۱۶۵
و. مصونیت سفراء و نمایندگان سیاسی	۱۶۸
ز . پاسداری از عزت و سیادت امت اسلامی در جهان	۱۷۳
ح . صیانت از مصالح نظام اسلامی	۱۷۴
۴- سیاست خارجی حکومت در قبال کشورهای اسلامی	۱۷۶
الف. پیگیری وحدت و انسجام اسلامی	۱۷۷
ب . حمایت از نهضت‌های اسلامی و آزادیبخش	۱۸۱
۵- گفتار دوم: نبایدهای سیاست خارجی حکومت اسلامی	۱۸۳
الف . مداخله بی مورد در امور دیگر کشورها	۱۸۴
ب . بی تفاوتی در برابر تبعیضات نژادی در جهان	۱۸۶
ج . سکوت در برابر زیاده خواهی قدرت‌های مستکبر	۱۸۸
د . پیروی از سیاست بیگانگان در سیاست خارجی	۱۹۰
هـ . ظلم کردن یا کمک به کشورهای ظالم	۱۹۱
و . توسل به ترور و حمایت از تروریسم	۱۹۲
ز . شکنجه اسیران جنگی	۱۹۵
۶- جمع بندی:	۱۹۸
جمع بندی و نتیجه گیری	۲۰۱
فهرست منابع	۲۰۳

طرح تحقيق

طرح موضوع:

بی تردید جامعه اسلامی همانند هر جامعه ای نیازمند وجود حکومتی است که در سایه آن مردم از هر رنگ و تبار با احساس امنیت و آسایش به رشد و کمال مادی و معنوی شان ادامه دهند. از نظر تاریخی جامعه اسلامی بجز دوران‌های کوتاه زمامداری و حکومت رهبران الهی که در آن تمامی افراد بگونه‌ای لایق بشأن از کلیه حقوق مادی و معنوی شان برخوردار بوده اند، در باقی حکومت‌ها تجربه تلخی داشته است: حکومت‌های که پس از پیامبر و امام علی علیهما السلام مقدرات جامعه اسلامی را در اختیار داشته اند از عنوان حکومت اسلامی یا جا نشینی پیامبر اسلام(ص) و امامان معصوم در راستای دستیابی به منافع شخصی، قومی و... خویش بهره برداری نمودند، این در حالیست که بر اساس سیره نبی اکرم(ص) در حکومت داری و شیوه برخورد آنحضرت با حقوق مادی و معنوی مردم حکومت و حکومت گران در شیوه زمامداری تابع مقرراتی خاصی که بر همگان واضح و هیچ عذری دایر بر ترک آن پذیرفته نیست: حکومت اسلامی بر اساس مبانی فقهی- سیاسی امامیه باید تابع هنجارها و دستور العمل‌های بر گرفته از سیره حکومتی پیامبر اسلام و امام علی علیهما السلام باشد.

حکومت اسلامی بصورت مطلق العنان نیست که هرگونه خواست عمل نماید بلکه حکومت در عمل بایستی بایدها و نبایدهای را در تمامی عرصه‌های سیاست داخلی و سیاست خارجی سرلوحه برنامه‌های کاری خود قرار دهد و اگر از این بایدها و نبایدها عدول نماید دیگر این حکومت مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی خود را از دست خواهد داد. عبارتی واضح تر چنین حکومتی حق حکمرانی بر جامعه اسلامی را نخواهد داشت فقهای امامیه با توجه به سیره حکومتی معصومین(ع) این بایدها و نبایدها را در مباحث فقهی- سیاسی شان احصاء نموده اند. لذا در این اثر پژوهشی با توجه به اینکه از سوی محققان تا حدی که پژوهشگر فحص نموده است اثری که بایدها و نبایدهای سیاسی حکومت اسلامی را از منظر فقهای امامیه مورد تحقیق قرار داده باشد بچشم نمی خورد، تلاشمی شود بایدها و نبایدهای سیاسی حکومت

اسلامی را از منظر فقهای امامیه بحث و بررسی نماید، امید است که تمکیل این اثر قطره ای از دریای معارف سیاسی- الهی مذهب حق فراروی زمامداران جامعه اسلامی قرار دهد تا در رویه حکومت داری عدل و انصاف را همانگونه که معصومین(ع) عملاً نشان دادند سرلوحه زمامداری شان قرار دهند انشاء الله.

ضرورت تحقیق:

اهمیت موضوع در این پژوهش ناشی از این واقعیت تاریخی است که حکومت و قدرت سیاسی در صورتی که در دستان افراد غیر معصوم قرار گیرد امکان سوء استفاده از آن وجود دارد. تاریخ گواه است که افراد و طیف‌های زیادی بنام دین و مذهب حکومت و قدرت را بدست گرفته اند اما در عمل آنگونه که هنجارهای دینی- مذهبی اقتضاء داشته است عمل نکرده اند. لذا از پوشش دینی جهت دستیابی به اهداف نامقدس و تصفیه حساب‌های جناحی سوء استفاده نموده اند. بنابراین لازم است بایدها و نبایدهای سیاسی حکومت اسلامی را از دیدگاه کارشناسان فقهی- سیاسی (فقها) بمنظور پیشگیری از مفساد و اجحافات که احیاناً از سوی زمامداران نسبت به حقوق شهروندان و همچنین صیانت از ارزشهای اسلامی مورد بررسی قرار گیرد تا حکومت که بنام اسلامی زمام امور جامعه را بدست گرفته است از قوانین اسلام دایر بر چگونه اداره کردن جامعه اسلامی و نیز نحوه برخورد با دیگر ملل از مقررات اسلامی تخطی ننماید.

ادبیات موضوع:(پیشینه تحقیق)

همانگونه اشاره گردید تا جای که پژوهشگر تحقیق نموده است در زمینه بایدها و نبایدهای سیاسی حکومت اسلامی بجز کتاب‌های همچون ولایت فقیه یا حکومت اسلامی امام خمینی، مبانی حکومت اسلامی تألیف آیت الله منتظری و مبانی حکومت اسلامی تألیف آیت الله سبحانی و آثار پراکنده و جزئی دیگری که به بررسی موضوع فوق پرداخته است اثری جامعی که بصورت مستوفی بایدها و نبایدهای سیاسی حکومت اسلامی را در تمامی حوزه‌های داخلی و خارجی از دیدگاه فقهای معاصر بررسی نموده باشد، صورت نگرفته است. آثار منتشر شده موجود که مورد اشاره قرار گرفت عمدتاً مباحث مبنایی و تئوریک حکومت اسلامی پوشش می دهند و به بررسی بایدها و نبایدهای سیاسی با توجه به دیدگاه‌های فقهای معاصر کمتر پرداخته اند لذ در این اثر علاوه بر بحث‌های مبنایی بایدها و نبایدهای حکومت اسلامی را در دوران معاصر از دیدگاه فقهای معاصر پی گرفته ایم امید است که بخوبی از عهده این مهم بر آیم.

سؤال اصلی:

از دیدگاه فقهای امامیه بایدها و نبایدهای سیاسی حکومت اسلامی کدام است؟

سؤالهای فرعی:

۱. بایدهای سیاسی حکومت اسلامی از دیدگاه فقهای امامیه چیست؟
۲. از نظر فقهای امامیه نبایدهای سیاسی حکومت اسلامی در حوزه داخلی کدام است؟
۳. بایدهای سیاست حکومت اسلامی در حوزه سیاست خارجی از نظر فقهای امامیه چیست؟
۴. نبایدهای سیاسی حکومت اسلامی در حوزه سیاست خارجی از دیدگاه فقهای امامیه چیست؟

فرضیه اصلی:

فرضیه اصلی در این پژوهش عبارت است از اینکه فقهای امامیه بعنوان عناصری اسلام شناس برای حکومت اسلامی در حوزههای مختلف داخلی و خارجی خطوط روشن و مشخصی را بعنوان بایدها و نبایدها سیاسی ترسیم نموده اند. که در بسیاری از موارد متفاوت با بایدهای معمول در دیگر حکومتهاست.

روش تحقیق:

در این پژوهش تلاش گردیده است که با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای داده‌های مربوط به موضوع تحلیل و توصیف شده است

سازماندهی تحقیق:

در این پژوهش، تلاش شده است دیدگاه‌های فقهای امامیه نسبت به بایدها و نبایدهای سیاسی حکومت اسلامی بطور منسجم و هماهنگ با سر فصلهای مصوب در طرح تفصیلی بشرح ذیل تحقیق و بررسی گردد: در فصل اول، بعد از ذکر مقدمه ای که نشانگر روند کلی بحث در این رساله خواهد بود، تلاش شده است، با استفاده از دیدگاه‌های فقهای امامیه تعاریف، مفاهیم و کلیات ضروری برای فهم و درک مطالب این رساله مانند تعریف واژگان کلیدی: باید، نباید، حکومت، سیاست، سیاست بمعنای دینی، ضرورت حکومت و انواع حکومت طرح و بررسی گردد.

در فصل دوم، طی دو گفتار بایدها و نبایدهای سیاسی حکومت اسلامی از جهت سیاست داخلی را از

دیدگاه فقهای امامیه بررسی نموده ایم: در گفتار نخست با ارائه مقدمه مختصری ابتدا بایدهای حکومت اسلامی از نظر ساختاری مانند حاکمیت الهی، رهبری ولی فقیه جامع الشرایط، اختیارات و وظایف سیاسی وی را با توجه به مباحث فقهی فقهای امامیه بحث گردیده است. و در گفتار دوم نبایدهای حکومت اسلامی را در قالب اموری که حکومت اسلامی حق ندارد عملاً در اداره امور جامعه اسلامی مرتکب آنها گردد.

در فصل سوم نیز طی دو گفتار مسائل بایندی و نبایندی حکومت اسلامی را بلحاظ سیاست خارجی بررسی نموده ایم: در گفتار نخست بعد از ذکر مقدمه کوتاه مبانی نظری سیاست خارجی حکومت اسلامی، اصول رفتاری سیاست خارجی حکومت اسلامی، حکومت اسلامی نحوه برخورد با معاهدات بین المللی، رابطه با کشورهای اسلامی و بایدهای آن، رابطه با کشورهای غیر اسلامی که با کشور اسلامی مختصمه ندارد و رابطه با کشورهای غیر اسلامی که با کشور اسلامی در حال مختصمه هستند را با استفاده از دیدگاهی فقهی- سیاسی فقهای معاصر مورد بحث و بررسی قرار داده ایم. و در گفتار دوم نبایدهای سیاست خارجی حکومت اسلامی را در اموری هم چون دخالت بی مورد در امور دیگر ملل، نقض تعهدات، نا دیده گیری اصل همزیستی در قبال ملل غیر متخاصیم، توسل به ترورهای کور، غیر عقلایی و منافی با روح اسلام، ارتکاب ظلم و کمک به ظالمین در حق ملتها و برخورد نا شایسته با پناهندگان که به کشور اسلامی پناه آورده اند و در انتها طی یک جمع بندی و نتیجه گیری نهایی از مجموع مباحثی که در فصول سه گانه این رساله مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

فصل اول:

تعاریف، مفاهیم و کلیات

مقدمه:

حکومت اسلامی از آن حیث که اسلامی است باید تابع آموزه‌ها و هنجاری‌های دینی باشد. این مطلب در مورد دیگر حکومت‌ها نیز صادق است: مثلاً حکومت دموکراتیک قاعدتا به طور مطلق باید تابع آراء و نظرات مردم باشد. حکومت کمونیستی باید تابع آموزه‌های کمونیسم باشد و... بنابراین حکومت اسلامی اگر واقعا اسلامی است باید عملا و نظرا مجری بایدها و نبایدهای باشد که در منابع دینی (قرآن، سنت که همان قول و سیره عملی معصومین است و منطق عقل سلیم نسبت به مسائل حکومتی) وارد شده است. اسلام دین جاویدانی است که دستورات سیاسی- عبادی آن تا ابد باید عملی و اجرا گردد. از طرفی امروزه ما در عصر غیبت امام معصوم (ع) بسر می‌بریم و قاصریم از اینکه تبیین مسائل و مشکلات امت اسلامی در حوزه‌های فردی و سیاسی- اجتماعی را از آن بزرگواران اخذ نمایم. از طرفی این مطلب که احکام اسلام بشمول احکام سیاسی- اجتماعی آن در زمان غیبت همانند زمان حضور تعطیل بردار نیست از مسلمات اسلام محسوب می‌شود.

بنابراین باید کسانی باشند که در این مسائل برای امت اسلامی تعیین تکلیف نمایند. از سوی دیگر این را هم میدانیم که اجرای احکام سیاسی- اجتماعی اسلام امری نیست که بدون یک نهادی منسجم حکومتی اجرا گردد. چون وارد شدن تک تک افراد یا عده‌ای بدون تشکیلات لازمه در اجرای مقررات سیاسی- اجتماعی، امور جامعه منتهی به هرج و مرج خواهد شد که بدترین وضعیت ممکن در یک جامعه است. لامحاله باید مرجع و نهادی باشد که عهده دار این مسائل باشد.^۱ اکنون این سؤال مطرح می‌شود که

^۱ عبد الله جوادی آملی ولایت فقیه ولایت فقاها و عدالت، قم، نشر اسراء، ۱۳۷۶ش، ص، ۷۳ و ۷۴.

سیاست‌های حکومت اسلامی ایجابا و سلبا از سوی چه کسانی باید تدوین و ارائه گردد؟ به عبارتی دیگر نهاد حکومتی بایدها و نبایدها را از چه کسی یا کسانی باید اخذ نماید، فرض هم این است که در زمان غیبت بسر می‌بریم، مسلما تبیین‌گر مسائل مستحدثه بعهدہ کسانی گذاشته شده است که نسبت به مسائل دینی مجتهد و صاحب نظر اند. پس باید کسانی که اسلام شناس و آگاه بزمانند برای حکومت اسلامی تعیین تکلیف نماید. فقها همان کارشناسان و خبرگان مسائل اسلامی هستند که حکومت اسلامی ملزم است بایدها و نبایدهای عملی و نظری خود را از آنان اخذ نماید. پژوهشگر در این رساله تلاش دارد با رهیافت تئوریک فوق بایدها و نبایدهای سیاسی حکومت اسلامی را از دیدگاه فقهای امامیه که به مثابه تئوری پردازان مسائل سیاسی - اجتماعی و هم فروعات تکلیفی عباد محسوب می‌شوند بحث و بررسی نماید: این رساله در یک مقدمه و سه فصل تدوین یافته است: فصل اول اختصاص دارد به تعاریف واژگان اصلی، مفاهیم و کلیاتی که برای درک بهتر از مسائل اصلی مورد بحث در این رساله ضروری است. فصل دوم طی دو بخش تدوین یافته است: بخش نخست بایدهای سیاسی حکومت اسلامی در حوزه داخلی، بخش دوم مربوط به نبایدهای سیاسی حکومت اسلامی در حوزه مسائل داخلی است، فصل سوم نیز از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول مربوط بایدهای سیاست خارجی حکومت اسلامی و بخش دوم به نبایدهای سیاست خارجی حکومت اسلامی اختصاص یافته است.

۱. تعاریف

الف. باید در لغت: باید در لغت نامه‌های فارسی به معنای بایست، یا بایسته، ضرور و لازم بکار رفته است.^۱ واژه باید اصطلاح فارسی است که معادل وجوب، لازم در اصطلاح عربی است.

ب. باید در اصطلاح: برای تبیین باید در اصطلاح فقهی، فقها عباراتی چون وظیفه و مسئولیت را بکار رفته است، که در ادامه این عبارات را مرور می‌کنیم: آیت الله منتظری از فقهای معاصر در تبیین باید یا همان وظیفه حکومت اسلامی گفته است: هدف از حکومت اسلامی اجرای حدود و احکام اسلام و اداره شؤون مسلمانان بر اساس ضوابط و قوانین عادلانه اسلام است؛ حکومت اسلامی در واقع قدرتی است که احکام خداوند - عزوجل - را پیاده و اجرا می‌نماید و مصالح امت را بر اساس ضوابط اسلام سر و سامان

^۱ علی اکبر دهخدا لغت نامه دهخدا تهران، انتشارات سیروس، ۱۳۴۷ق، ج ۹، ص ۷۴۱ واژه باید.

می‌دهد.^۱ علامه سید حیدر آملی از فقهای امامیه و هم‌فلسوف بایدهای سیاسی حکومت اسلامی را "رعیة شؤون الأمة بالداخل والخارج وفق الشریعة الاسلامیة دانسته است.^۲ آیت الله جوادی آملی در بیان باید) از باید به وظیفه تعبیر کرده است: او موظف است پاسدار وحی باشد بر او واجب است که حافظ حدود الهی و مرزدار دین باشد.^۳ در فرمایش امام علی(ع): "و الواجب علیک ان تتذکر ما مضی لمن تقدمک من حکومت عادله او سنه فاضله؛ بر تو لازم است همواره به یاد حکومت‌های عادلانه پیش از خود با روش‌های پسندیده باشی". بنابراین حاصل مطلب اینمی‌شود که بایدهای سیاسی در حکومت اسلامی عبارت از همان وظایفی است که حکومت در سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی خود به آنها ملتزم باشد.

ب. واژه نباید

نباید از نظر لغت به معنای نه شاید و شایسته نیست بکار می‌رود.^۴ و اما در اصطلاح، نبایدهای حکومت اسلامی در واقع همان نقطه مقابل بایدها لحاظ می‌شود که عبارت از: مجموعه‌ای از منهیات و محرماتی سیاسی - اجتماعی که حکومت مجاز به ارتکاب آنها نیست و در صورت ارتکاب نزد خدا و مردم مسئول است و باید مجازات شود. در لسان آیات و روایات نیز تعبیراتی نسبت به نبایدهای حاکم و حکومت وارد شده است که فقها در مباحث فقهی شان به آنها استناد فرموده‌اند. آیت الله منتظری در کتاب مبانی حکومت اسلامی اش نباید سیاسی در حکومت اسلامی را اینگونه تعبیر نموده است: حاکم مسلمانان نمی‌تواند هرگونه که خواست و مطابق میل اش بود نظیر پادشاهان و حاکمان بسیاری از کشورها که مردم را بردگان خود می‌پندارند بر مردم حکومت کند. ملا احمد نراقی گفته است: نبایدهای سیاسی حکومت در کلمه ظلم و جبر خلاصه می‌شود: جابر اعظم آن کسی است که از حکم شریعت بیرون رود و از حکم صاحب شرع سر باز زند و متابعت شرع را ننماید و او را کافر دانند. همین‌طور اگر آن شخص که از اطاعت سلطان عادل (امام معصوم) و احکام او سر پیچی نماید او را یاغی و طاغی خوانند که همانا او جابر اوسط می

^۱ حسینعلی منتظری، مبانی حکومت اسلامی، ترجمه و تقریر محمود صلواتی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۷ش، ج ۳، ص ۲۹.

^۲ سید حیدر آملی، المقدمات من کتاب نص النصوص، به کوشش هانری کورین و عثمان اسماعیل یحیی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۷، ص ۱۹۰.

^۳ عبد الله جوادی آملی، ولایت فقیه ولایت فقاقت و عدالت، ص ۲۵۵.

^۴ نهج البلاغه، ابن الحدید، دار الاحیاء، الکتب العربیة، ۱۹۹۳م، نامه ۵۳ و ۶۷.

^۵ علی اکبر دهخدا، لغت نامه، (واژه نباید).